



بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

غیبت.....	۲
مقام اول: تقسیم گناهان به صغیره و کبیره.....	۲
مقام دوم: ملاک صغیره و کبیره.....	۲
جمع بندی مقام دوم.....	۳
ادله روایات.....	۳
تقسیم بندی روایات.....	۳
روایت اول:.....	۴
بررسی روایت از لحاظ سند.....	۴
روایت دوم:.....	۴
روایت سوم:.....	۵
روایت چهارم:.....	۵
روایت پنجم:.....	۵
روایت ششم:.....	۶
روایت هفتم:.....	۶
روایت هشتم:.....	۸
روایت نهم:.....	۸
روایت دهم:.....	۸
جمع بندی.....	۹
ملاک گناهان کبیره در آیات.....	۹
نتیجه گیری.....	۹
مبحث سوم: کبیره بودن غیبت.....	۱۰



غیبت

مقام اول: تقسیم گناهان به صغیره و کبیره

برای اینکه بحث روشن بشود، بحث را در سه مقام بررسی می‌کنیم. مقام اول این بود که تقسیم گناهان به کبائر و صغائر درست است یا خیر؟

در این بحث دو قول وجود دارد، ما نیز نظر اول که مشهور است را قبول داریم. این نظر، قائل به تقسیم‌بندی گناهان به کبیره و صغیره است. ۳ آیه از مجموعه آیات را می‌توانیم دلیل برای این تقسیم‌بندی بدانیم. با دقت به این آیات مشاهده می‌شویم که گناهان دو دسته هستند.

مقام دوم: ملاک صغیره و کبیره

بحث دوم این بود که ملاک صغیره و کبیره چیست؟ بعد از اینکه پذیرفتیم که گناهان به صغیره و کبیره تقسیم می‌شوند و ثمرات متعدد فقهی و اخلاقی دارد، ملاک صغیره و کبیره بودن گناه را باید بسنجیم.

در این مقام، مرحوم علامه طباطبایی (ره) بحث جامعی کرده‌اند. ایشان این بحث را ذیل آیه «إِنَّ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمٍ»^۱ آورده‌اند. ایشان نزدیک به ده مبنا را در ملاک کبیره از صغیره بیان کرده‌اند. غالب آن‌ها را مورد نقد قرار داده‌اند. نهایتاً فرموده‌اند یک ملاک معینی را نمی‌توانیم قائل بشویم مگر اینکه کبیره چیزی است که با توجه به آیات و روایات، متوجه بشویم که این گناه با دیگر گناهان غیر متفاوت است. از روش‌های زیر می‌توانیم این کبیر بودن گناه را به دست بیاوریم.

۱. وعده عذاب در آیات و روایات

۲. فراوانی روایات و آیات در مورد گناه

۱سوره نساء، آیه ۳۱.



جمع‌بندی مقام دوم

نظر ما در مقام دوم «مَا أُوْعِدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارُ»^۱ است. گناهانی که در کلام الهی، وعده عذاب داده شده است. این ملاک کبیره بودن است. البته این امر منافاتی ندارد با چیزهایی که در روایات آمده است. گاهی ائمه (علیهم‌السلام) در روایات در ذیل آیه، اشاره به کبیر بودن گناه کرده‌اند. ظاهر فرمایش ائمه (علیهم‌السلام) نیز این است که وقتی گناهی را از کبائر می‌دانند، به قرآن ارتباط می‌دهند.

ادله روایات

این روایات در کتاب جهاد، در ابواب جهاد النفس، باب ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ آمده است. در ده روایت ملاک «مَا أُوْعِدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارُ» ذکر شده است. در بعضی روایات مصادیق ذکر شده است.

تقسیم‌بندی روایات

در نتیجه روایاتی که درباره‌ی کبائر وارد شده است، به دو گروه تقسیم می‌شود:

۱. گروهی که بیان مصداق کرده‌اند و گفته‌اند این گناهان کبائر است.

۲. گروهی که بیان ملاک کرده‌اند.

البته بعضی روایات هر دو گروه را شامل می‌شوند.

گروه اول به چند دسته تقسیم می‌شود. اما طایفه دوم مورد بحث ما است. در این روایات اشاره به ملاک و معیار شده است. روایاتی که در گروه دوم آمده است تماماً «مَا أُوْعِدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارُ» را ذکر کرده‌اند.

تنها ملاکی که برای کبائر شمرده‌اند و در روایات آمده است همین است. به عنوان نمونه بعضی از این روایات را ذکر می‌کنیم:



روایت اول:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا^۱ قَالَ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَاجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا النَّارَ.»^۲

در ذیل آیه ۲۶۹ سوره بقره، روایات متعددی به این مسئله پرداخته است. یکی از این روایات همین روایت است.

آیه ۲۶۹ سوره بقره می‌فرماید: کسی که به او حکمت داده بشود، به خیر کثیر نائل شده است. معنای خیر کثیر در این روایت اشاره شده است.

خیر کثیر یعنی، معرفت امام، اجتناب از کبائر است. کبائر را نیز تعریف می‌کند و می‌گوید: بر او آتش جهنم واجب است.

«الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا النَّارَ» قید توصیفی کبائر است.

بررسی روایت از لحاظ سند

در این روایت محمد بن عیسی آمده است که بارها بحث کرده‌ایم. ایشان محل بحث هستند.

روایت دوم:

«وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنْ تَجَنَّبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا^۳ قَالَ الْكِبَائِرُ الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهَا النَّارَ.»^۴

این روایت از لحاظ سند مشکلی ندارد.

۱ سوره بقره، آیه ۲۶۹

۲ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۱۵

۳ سوره نساء، آیه ۳۱.

۴ همان، ص ۳۱۵ و ۳۱۶



در اینجا نیز همان ملاک را برای کبائر می‌آورد.

روایت سوم:

روایت پنجم باب ۴۵ است.

«وَفِي ثَوَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ - قَالَ مَنْ اجْتَنَبَ الْكَبَائِرَ مَا أَوْعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ إِذَا كَانَ مُؤْمِنًا كَفَّرَ اللَّهُ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ.»^۱

این روایت از کتاب ثواب الاعمال مرحوم صدوق (ره) است. ایشان نگاه‌های بسیار جالبی در تنظیم دارند.

این روایت نیز معتبر است.

در این روایت باز در ذیل آیه ۳۱ سوره نساء، معنای کبائر را «مَا أَوْعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ» قرار داده‌اند.

روایت چهارم:

روایت ششم باب ۴۵ است.

«وَفِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَبَادِ بْنِ كَثِيرٍ النَّوَّائِي قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ الْكَبَائِرِ فَقَالَ كُلُّ مَا أَوْعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ.»^۲

این روایت از امام باقر (ع) است. در اینجا نیز ملاک کبائر را همان قرار می‌دهد. این تعریف و پاسخ، کاملاً مسئله را واضح می‌کند.

روایت پنجم:

روایت هفتم باب ۴۵ است.

این روایت از لحاظ سند معتبر است.

۱ همان، ص ۳۱۶ و ۳۱۷

۲ همان



«وَفِي مَعَانِي الْأَخْبَارِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْأَدْمِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: قَدْ سَمَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ مُؤْمِنِينَ وَلَمْ يُسَمِّ مَنْ رَكِبَ الْكِبَائِرَ وَمَا وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ النَّارَ مُؤْمِنِينَ فِي قُرْآنٍ وَلَا آثَرٍ وَلَا نُسَمِّهِمْ بِالْإِيمَانِ بَعْدَ ذَلِكَ الْفِعْلِ»^۱

روایت ششم:

روایت اول باب ۴۶ است.

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ: كَتَبَ مَعِيَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَى أَبِي الْحَسَنِ ع- يَسْأَلُهُ عَنِ الْكِبَائِرِ كَمْ هِيَ وَمَا هِيَ فَكَتَبَ الْكِبَائِرُ مَنْ اجْتَنَبَ مَا وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ كَفَّرَ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ إِذَا كَانَ مُؤْمِنًا وَالسَّبْعُ الْمَوْجِبَاتُ قَتْلُ النَّفْسِ الْحَرَامِ وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ أَكْلُ الرِّبَا وَ التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَةِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَ الْفِرَازُ مِنَ الرَّحْفِ»^۲

این روایت از لحاظ سند معتبر است.

در اینجا کسی با امام (ع) مکاتبه می کند. در اینجا کبائری را می شمارد.

روایت هفتم:

روایت دوم باب ۴۶ است.

«وَعَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ الثَّانِي ع قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ع يَقُولُ دَخَلَ عَمْرُو بْنُ عُبَيْدٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَلَمَّا سَلَّمَ وَ جَلَسَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ وَ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَوَاحِشِ - ثُمَّ أَمْسَكَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا أَسْكَنَكَ قَالَ أُحِبُّ أَنْ أَعْرِفَ الْكِبَائِرَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ نَعَمْ يَا عَمْرُو أَكْبَرُ الْكِبَائِرِ الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ يَقُولُ اللَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ - وَ بَعْدَهُ الْإِيْسَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لَا يَبْتَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ - ثُمَّ الْأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ لِأَنَّ اللَّهَ

۱ همان

۲ همان، ص ۳۱۸



عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ - وَ مِنْهَا عُقُوبُ الْوَالِدَيْنِ لِأَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ الْعَاقَ جَبَّارًا شَقِيًّا وَ قَتَلَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا إِلَى آخِرِ الْآيَةِ وَ قَذَفَ الْمُحْصَنَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ - وَ أَكُلَ مَالِ الْيَتِيمِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا - وَ الْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ مَنْ يُولِهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ - وَ أَكُلَ الرِّبَا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ - وَ السَّحَرُ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ - وَ الزَّنَا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَخُلُدْ فِيهِ مُهَانًا - وَ الْيَمِينُ الْعَمُوسُ الْفَاجِرَةُ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ أَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ - وَ الْغُلُولُ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ مَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - وَ مَنَعَ الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فَتَكَوَّى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ - وَ شَهَادَةُ الزُّورِ وَ كِتْمَانُ الشَّهَادَةِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ مَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ - وَ شُرْبُ الْخَمْرِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ نَهَى عَنْهَا كَمَا نَهَى عَنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ وَ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ شَيْئًا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا - فَقَدْ بَرِئَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ وَ ذِمَّةِ رَسُولِهِ وَ نَقَضَ الْعَهْدَ وَ قَطِيعَةَ الرَّحِمِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ - قَالَ فَخَرَجَ عَمْرُو وَ لَهُ صُرَاخٌ مِنْ بُكَائِهِ وَ هُوَ يَقُولُ هَلْكَ مَنْ قَالَ بِرَأْيِهِ وَ نَارَعَكُمْ فِي الْفَضْلِ وَ الْعِلْمِ. ١

این روایت از عبدالعظیم است. این روایت سند معتبری دارد. امام جواد (ع) می‌فرماید که من از پدرم و او نیز از پدرش شنید که عمر بن عبید بر امام صادق (ع) وارد شد و حضرت آیه مزبور را خواندند و در آن توقف کردند.

گاهی از ایشان سؤال می‌شود و گاهی خودشان بحثی را باز می‌کنند. در اینجا نیز خودشان منتظر طرح بحث از طرف دیگران است. حضرت می‌فرمایند: چرا سؤال نمی‌کنید؟ عمر بن عبید می‌فرماید: کبائری را که از شما شنیده‌ایم از کتاب خداوند بیان کنید. در ذهن ایشان این بود که باید کبائر از قرآن آمده باشد. حضرت (ع) از این سؤال خوششان آمد. حضرت نمونه‌های زیادی را آوردند و آیات زیادی را در این باره آوردند.

این روایت نشان می‌دهد کبائر باید به نحوی در قرآن ذکر شده باشد. و باید به نحوی جایگاه قرآنی داشته باشد.



این روایت، سندهای دیگری دارد که در کتب دیگر نیز آمده است. این روایت، موثق است.

روایت هشتم:

روایت ششم باب ۴۶ است.

«وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْكَبَائِرُ سَبْعٌ قَتْلُ الْمُؤْمِنِ مُتَعَمِّدًا وَقَذْفُ الْمُحْصَنَةِ وَالْفِرَارُ مِنَ الرَّحْفِ وَالتَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا وَ أَكْلُ الرَّبَا بَعْدَ الْبَيِّنَةِ وَ كُلُّ مَا أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ.»^۱

در این روایت هفت گناه کبیره را برمی شمارد. در انتها «كُلُّ مَا أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ» را بیان می کند. این جمله، نشان می دهد که این ها در مقام حصر نیستند.

روایت نهم:

روایت بیست و یکم باب ۴۶ است.

«عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْكَبَائِرِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ قَالَ الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا النَّارَ.»^۲

روایت دهم:

روایت بیست و چهارم باب ۴۶ است.

«وَيَأْتِي سَنَدُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَبَّادِ بْنِ كَثِيرٍ النَّوَّاءِ (۳) قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنِ الْكَبَائِرِ فَقَالَ كُلُّ مَا أَوْعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ.»^۳

۱ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۲۲

۲ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۲۶

۳ همان، ص ۳۲۷



جمع بندی

روایات دیگری نیز دلالت بر همین امر می‌کند، روایت بیست و نهم، سی و دوم و چند روایت دیگر نیز دلالت بر همین امر می‌کند. در مستدرک الوسائل نیز روایاتی وجود دارد.

بیش از ۱۵ روایت در این باب آمده است که بعضی از آن‌ها معتبر است. از این مجموعه روایات به سادگی نمی‌توانیم عبور کنیم.

ملاک گناهان کبیره در آیات

ذیل این مبحث، نکاتی وجود دارد:

۱. «مَا أَوْعَدَ (أَوْجَبَ) اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ» ممکن است به صراحت باشد، و گاهی با واسطه به قرآن برمی‌گردد. مثلاً در جایی می‌گویند که این‌ها کافران و از آیه‌ی دیگر قرآن، عذاب برای آن‌ها آمده است. ملاک کبیره این است که «مَا أَوْعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ» در قرآن باشد. این وعده بر چند نوع است:

الف) وعده مستقیم به دلالت مطابقی

ب) وعده به دلالت التزامی

ج) امام (ع) امری را از کبائر برشمارند، ما نیز این را در قرآن پیدا نکنیم. این را از بطون قرآن به دست آورده‌اند و ما نمی‌توانیم به دست بیاوریم.

۲. ما بیان کردیم که گناهان به دو دسته تقسیم می‌شوند: کبائر و صغائر. با توجه به این مطلب، با آیات کلی که وعده و عذاب را نشان می‌دهند، ملاکی برای کبیره بودن نیست. یعنی اگر در آیه‌ای بیاید و بگویند که کل مخالفت خدا، دارای عذابی است. این مشمول تمام گناهان می‌شود ولی ما گفتیم بعضی از گناهان صغیره هستند. در نتیجه این نمی‌تواند ملاک ما باشد. در جایی که به‌طور خاص، عنوانی پیدا کرده است، از کبائر است. به زبان ساده‌تر می‌توان گفت که جمله «مَا أَوْعَدَ (أَوْجَبَ) اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ» به شکلی بیان بشود که تمام گناهان را نگیرد.

نتیجه گیری

ظاهر روایاتی که تاکنون آوردیم، ملاک گناهان کبیره جمله «مَا أَوْعَدَ (أَوْجَبَ) اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ» است. حتی اگر شک نیز کردیم، قدر متیقن مفهوم را می‌گیریم که باز جمله «مَا أَوْعَدَ (أَوْجَبَ) اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ» است البته قید خاصی دارد.



مبحث سوم: کبیره بودن غیبت

به نظر می‌آید که غیبت از کبائر است. بهترین دلیل آن، روایاتی است که در باب غیبت آمده است. در روایات غیبت را مصداق آیهی شریفه‌ی «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۱ قرار داده‌اند.

این آیه مستقیماً ارتباطی به غیبت ندارد. اما تعبداً امام (ع) در ذیل این آیه شریفه، در چند روایت، اشاعه‌ی فحشا را بر غیبت منطبق کرده‌اند. بعضی از روایات، معتبر بود.

با این تعبد، اشاعه‌ی فحشا منطبق بر غیبت می‌شود.

در روایات زیادی در مورد غیبت، وعده‌ی عذاب داده شده است. این نیز مؤید مطلب مذکور است. (البته مؤید است و دلیل نیست).

خیانت یکی از کبائر است و غیبت نیز مصداقی از خیانت است. این در کلام آقایان خویی و دیگران است. این البته قابل تردید است.

رتبه‌ی اول کبائر، چیزهایی است که در قرآن آمده است و غیبت در رده‌های پایین‌تر گناهان کبیره است.

۱سوره نور، آیه ۱۹.